

آفار دتھمنٹ

درا  
و  
اول

اول دیرستان

ویرتھی کنکور

پدید آورنده: بہمن دانشیان

انتشارات  
علمی

آفار

phare  
www.pharepub.com

## به نام خداوند جان و خرد

مجموعه‌ای که پیش رو دارید، شامل قواعد عربی سال اول است. هر چند که شاید بعضی از این قواعد به طور مستقیم در کنکور مطرح نگردند ولی قطعاً پایه‌ی مباحث بعدی خواهند بود و سعی ما در این مجموعه بر این بوده که پس از هر مبحثی تست‌های مرتبط با آن نیز آورده شود، تا موجب فهم عمیق‌تر گردد.

به طور کلی مجموعه قواعد عربی شامل دو بخش زیر است :

۱. **علم صرف:** به بررسی نوع کلمه و اقسام آن می‌پردازد .

۲. **علم نحو:** به نقش و موقعیت کلمه در جمله‌ای خاص ، اشاره دارد .

کتاب عربی ۱ تا آخر درس ۸ به صرف (شناخت انواع کلمه) و در دو درس آخر به مباحث نحوی (شناخت انواع جمله و بخش‌های آن) اشاره می‌کند و طبیعی است که ما در اینجا از علم صرف شروع می‌کنیم.

در پایان از تمامی خوانندگان و بالخصوص همکاران عزیزم استدعا دارم که مرا از رهنمودهای خود بی‌نصیب نگردانند و نقطه‌نظرات خود را به استحضار اینجانب برسانند.

به امید موفقیت روزافزون همه عزیزانم

دانشیان

نمادهای به‌کار رفته در این آفاردئون:

فاره: بلافاصله بعد از يك تست می‌آید و شما را با نکته‌ای که آن تست دارد آشنا می‌کند.

☞ : جغد دانا که دقتش خیلی بالاست؛ هر جا دلش خواست می‌آید و حرفی و نکته‌ای و توصیه‌ای می‌گوید.

## فهرست

۳	اقسام کلمه.....
۳	صرف أفعال .....
۴	افعال ثلاثی مجرد و مزید.....
۵	مباحث صرفی اسم.....
۷	جامد یا مشتق.....
۱۰	انواع اسم .....
۱۰	ضمیر .....
۱۱	موصولات .....
۱۲	اعراب و بناء.....
۱۴	انواع حروف .....
۱۵	موارد تجزیه .....
۱۵	جمله فعلیه .....
۲۰	جمله‌ی اسمیه .....



## اقسام کلمه

کلمات در عربی به سه نوع تقسیم می‌شوند:

۱. **اسم:** کلمه ای که به تنهایی دارای معنای مستقلی است بدون داشتن زمان و از آن برای نامیدن افراد یا اشیاء، استفاده می‌گردد. مانند: **شجرة - مكة**

۲. **فعل:** کلمه ای است که دارای معنای مستقلی است اما وابسته به یک زمان خاص مثلاً گذشته و یا آینده. در واقع فعل انجام یک کار و یا روی دادن حالتی در یکی از زمان‌ها می‌باشد.

**ذهب** = رفت (گذشته)      **سَيَذْهَبُ** = خواهد رفت (آینده)

۳. **حرف:** کلمه ای است که دارای معنای مستقلی نیست و برای ایجاد ارتباط بین اجزای جمله به کار برده می‌شود و در واقع اگر کلمه ای نه اسم باشد و نه فعل، حرف محسوب می‌شود. مانند: **إلى، في.....**

### ■ نشانه‌های اسم:

الف) داشتن حرف تعریف «ال»	الرجلُ
ب) داشتن تنوین « ً »	رجلٌ
ج) داشتن علامت تانیث «ة»	مدرسة
د) مجرور واقع شدن	فی کتابٍ
ه) داشتن (اء) در آخر کلمه	زهراءُ
و) داشتن حرف ندا (منادا واقع شدن)	یا علیُّ
ز) موصوف و یا مضاف واقع شدن	بیت جمیل - بیت کعبه

### ■ نشانه‌های فعل:

الف) آمدن حروفی مانند: **قد - لم - لَمَّا - سَ - سوف....**

ب) داشتن شناسه‌ها «ضمایر متصل رفعی» مانند: **ضربتُ**

ج) داشتن حروف مضارعه «أنتین» و یا همزه‌ی امر مانند: **نخرج - أخرج**

د) مجزوم شدن: **لم یذهب**

درس ۱

## صرف أفعال

فعل‌ها از لحاظ زمانی به سه گروه کلی تقسیم می‌شوند، که عبارتند از:

ماضی، مضارع، امر

### ■ صرف فعل ماضی

۱	مفرد مذکر غائب	للغائب	هو	ذهب	رفت
۲	مثنی مذکر غائب	للغائبین	هما	ذهبا	رفتند
۳	جمع مذکر غائب	للغائبین	هم	ذهبوا	رفتند
۴	مفرد مؤنث غائب	للغائبة	هی	ذهبتُ	رفت
۵	مثنی مؤنث غائب	للغائبتین	هما	ذهبتا	رفتند
۶	جمع مؤنث غائب	للغائبات	هنَّ	ذهبنَّ	رفتند
۷	مفرد مذکر مخاطب	للمخاطب	انتَ	ذهبتَ	رفتی
۸	مثنی مذکر مخاطب	للمخاطبین	انتما	ذهبتما	رفتید
۹	جمع مذکر مخاطب	للمخاطبین	انتم	ذهبتُم	رفتید
۱۰	مفرد مؤنث مخاطب	للمخاطبة	انتِ	ذهبتِ	رفتی
۱۱	مثنی مؤنث مخاطب	للمخاطبتین	انتما	ذهبتما	رفتید
۱۲	جمع مؤنث مخاطب	للمخاطبات	انتنَّ	ذهبتنَّ	رفتید
۱۳	متکلم وحده	لمتکلم وحده	أنا	ذهبتُ	رفتم
۱۴	متکلم مع الغير	لمتکلم مع الغير	نحن	ذهبنا	رفتیم

### ■ صرف مضارع

۱	للغائب	هو	يذهبُ	۷	للمخاطب	أنتَ	تذهبُ
۲	للغائبین	هما	يذهبانِ	۸	للمخاطبین	أنتما	تذهبانِ
۳	للغائبین	هم	يذهبونَ	۹	للمخاطبین	أنتم	تذهبونَ
۴	للغائبة	هی	تذهبُ	۱۰	للمخاطبة	أنتِ	تذهبینَ
۵	للغائبتین	هما	تذهبانِ	۱۱	للمخاطبتین	أنتما	تذهبانِ
۶	للغائبات	هنَّ	يذهبنَّ	۱۲	للمخاطبات	أنتنَّ	تذهبنَّ
۱۳	متکلم وحده	أنا	أذهبُ				
۱۴	متکلم مع الغير	نحن	نذهبُ				

## ■ صرف شش میغهی امر مخاطب

للمخاطب	إِذْهَبْ	للمخاطبة	إِذْهَبِي
للمخاطبين	إِذْهَبَا	للمخاطبتين	إِذْهَبَا
للمخاطبين	إِذْهَبُوا	للمخاطبات	إِذْهَبْنَ

درس ۲ و ۳

## ثلاثی مجرد و مزید

فعل‌ها بر اساس تعداد حروف ریشه، به دو نوع ثلاثی و رباعی تقسیم می‌شوند:

افعال ثلاثی، فعل‌هایی هستند که حروف اصلی آن‌ها ۳ حرف است و رباعی به فعلی گویند که ریشه‌ی آن ۴ حرفی است. ما در اینجا فقط به افعال ثلاثی اشاره می‌کنیم.

فعل‌های ثلاثی بر اساس اولین میغهی ماضی به دو نوع تقسیم می‌شوند:

۱. **ثلاثی مجرد:** اولین میغهی ماضی ۳ حرف

۲. **ثلاثی مزید:** اولین میغهی ماضی بیش از ۳ حرف

☞ ملاک مجرد یا مزید بودن یک فعل، اولین میغهی ماضی آن است. افعال ثلاثی مجرد **سماعی** هستند، یعنی ساخت آن‌ها، دارای وزن مشخص و ثابتی نیست و مضارع آن‌ها، بر یکی از سه وزن زیر می‌آید:

**يَفْعَلُ:** جَلَسَ ← يَجْلِسُ

**يَفْعَلُ:** ذَهَبَ ← يَذْهَبُ

**يَفْعَلُ:** كَتَبَ ← يَكْتُبُ

ثلاثی مزید، قیاسی (مقایسه‌ای) است، یعنی دارای وزن و قالب خاصی است که به آن **باب** گفته می‌شود.

افعال ثلاثی مزید دارای ۸ باب هستند، که عبارتند از:

## ■ باب‌های ثلاثی مزید

ماضی	مضارع	امر	مصدر
أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	أَفْعِلْ	إِفْعَالٌ
فَاعِلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعِلٌ	مُفَاعَلَةٌ - فِإْعَالٌ
فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ	تَفْعِيلٌ
تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ	تَفَعُّلٌ
تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ	تَفَاعُلٌ
انْفَعَلْ	يَنْفَعِلُ	انْفَعِلْ	انْفِإْعَالٌ
اِفْتَعَلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِإْعَالٌ
اِسْتَفَعَلْ	يَسْتَفَعِلُ	اِسْتَفَعِلْ	اِسْتِإْفْعَالٌ

☞ مصادری نظیر «انتشار - انتصار - انتخاب - انتقام» از باب «اِفْتِإْعَالٌ» می‌باشند نه «اِنْفِإْعَالٌ» چرا که در این افعال حرف «ن» جزو حروف اصلی کلمه است و حرف «ن» در باب «اِنْفِإْعَالٌ» جزو حروف اصلی آن نیست. در ضمن هرگاه پس از حرف «ن» حرف «ت» آمده باشد، آن فعل حتماً از باب اِفْتِإْعَالٌ است.

## ■ کاربرد بعضی باب‌ها

۱. باب اِفْعَالٌ و تَفْعِيلٌ: فعل لازم را به متعدی تبدیل می‌کنند.

خَرَجَ ← خارج کرد (لازم)      أَخْرَجَ ← اِخْرَاجٌ کرد (متعدی)

۲. باب مِفَاعَلَةٌ و تَفَاعُلٌ: برای بیان مشارکت به کار می‌روند.

تعاونوا: یکدیگر را یاری کردند.

۳. باب اِسْتِإْفْعَالٌ: برای طلب و درخواست، به کار می‌رود.

استغفر: طلب بخشش کرد.

☞ در ترجمه‌ی باب مِفَاعَلَةٌ معمولاً بین فاعل و مفعول از کلمه‌ی (با) استفاده می‌کنیم: **جاهِدُوا الكافرين:** با کافران جهاد کنید

☞ در ترجمه افعالی که در باب تَفَاعُلٌ هستند، معمولاً از کلماتی مانند (با همدیگر، با یکدیگر) استفاده می‌کنیم

تکاتب الصديقان: دو دوست با یکدیگر نامه نگاری کردند.

☞ در چهار باب زیر هنگام ساخت امر نیازی به افزودن همزه نیست. چرا که با برداشتن حرف مضارعه «أَ تین»، به ساکن برخورد نمی‌کنیم. آن چهار باب عبارتند از: تَفْعِيلٌ - مُفَاعَلَةٌ - تَفَعُّلٌ - تَفَاعُلٌ

مثال: عَلَّمَ - جَاهَدَ - تَعَلَّمَ - تَعَاوَنَ